

سیری در تاریخ ایجاد دارالعجزه و نوانخانه آستان قدس رضوی که نخستین مؤسسه خیریه مشهد نیز بوده است

آهوانی که در پناه ضامن آهو بودند

سارا رنگیان

تاریخ کوچه پس کوچه های مشهد سرشار از قصه های تلخ و شیرینی است که زیر سایه عنایت حضرت دوست به سرانجام و سامان رسیده است. یکی از این تلخی های به شیرینی رسیده، حکایت نیازمندی است که از قضا شمار کودکان و اطفال آسیب پذیر میان آن ها بسیار بوده است، آن چنان که آستان قدس رضوی راه عنوان نخستین خیریه سازمانی مشهد وادار به تأسیس دارالعجزه، دارالتربیه و نوانخانه می کند، سطرهای بعدی گذری بر تاریخ این رویداد زیبا در مشهد است.

موفقاتی برای نیازمندان از عصر صفوی تا قاجار

مشهد در همه دوران ها همیشه آخرین پناه مردم دردمند بوده است، خاصه به وقت آمدن یلایی که در برابرش از خود دفاعی نداشته اند. این بلادر قدیم می توانسته دشمن خارجی باشد یا حکومت ظالم داخلی، و با و طاعون باشد یا قحطی و گرسنگی. همین است که برابر اسناد موجود، از دوره صفوی در آستان قدس رضوی، موفقاتی با هدف دستگیری از مردم در زمان احتیاج در نظر گرفته می شده که متعلق به زائر مسکین، بیمار و در راه مانده بوده است. در دوره قاجار و پس از آن نیز می توان خبرهای بسیاری مبنی بر دخیل شدن زنان بی سرپرست یا رها کردن کودک و نوزاد در اطراف حرم یافت که گویا همگی تحویل آستان

تشکیل انجمن «سعادت»، نخستین خیریه مردمی مشهد

البته نا گفته نماند که پیش از این، در شهر امام مهربانی، بزرگان مؤمنی هم بوده اند که سعی کرده اند با تشکیل انجمن هایی، این مهم را در حد وسع خود بر عهده بگیرند که «انجمن سعادت» یکی از آن ها است. «سعادت» نخستین انجمن خیریه مشهد است که اخبار آن در جراید دوره قاجار آمده و گویا توسط جمعی از متمولان و ثروتمندان مشهد تشکیل شده است. روزنامه «ایران سلطانی» در جمادی الاول ۱۳۲۵ می نویسد: «تشکیل انجمن خیریه سعادت: اولین

تأسیس دارالعجزه ای برای زنان و مردان ناتوان از کار

با این همه آستان مقدس حضرت رضا^(ع) نخستین مکان و سازمانی است که چتر حمایتش را بر سرافعال یتیم، زنان بی سرپرست و بیماران و نیازمندان بازمی کند و با ایجاد «دارالعجزه» نخستین گام را در این راه برمی دارد. برابر اسناد و مکتوبات موجود، از «دارالعجزه» می توان به عنوان قدیمی ترین مؤسسه خیریه تحت حمایت آستان قدس رضوی نام برد که اساسنامه آن با پنج فصل و ۳۴ ماده، در ۲۹ بهمن سال ۱۲۹۵ خورشیدی، تدوین و تصویب شده است. مؤسسان در ادامه نیز هدف از تشکیل این نهاد را ایجاد مکانی برای افراد (زنان و مردان) ناتوان از کار و اطفال فقیر و یتیم بدون معاش و بازمانده از تحصیل عنوان کرده اند. همچنین برابر اساسنامه دارالعجزه، قرار بوده است پس از توسعه این مؤسسه، نوانخانه دیگری با عنوان «دارالایتم» نیز به آن اضافه شود. اعضای دارالعجزه به سه بخش عضو مؤسس، عضو امدادی و عضو افتخاری تقسیم می شدند، اعضای مؤسس افرادی بودند که حداقل یک بار ۲۵ تومان برای تأسیس دارالعجزه می پرداختند. اعضای افتخاری هم کسانی بودند که بر نظر هیئت مؤسس عضویت آن ها



تصویری از نوانخانه آستان قدس رضوی در خیابان کوهسنگی ۱۳۰۷/۱۳۰۸ (اوایل قرن ۱۴

وقتی دارالتربیه به یاری دارالعجزه می رود

سال ۱۳۰۸ خورشیدی علاوه بر نوانخانه آستانه، مرکز دیگری نیز بانام «دارالتربیه، توسط جمعیت «شیر و خورشید سرخ خراسان» (نخستین سازمان خیریه ایران) تأسیس می شود و به یاری دارالعجزه می رود که بخشی از بودجه آن را شهرداری مشهد تأمین می کرده است. در اسناد آبان سال ۱۳۱۱ خورشیدی درباره دارالتربیه آمده است: «این دارالرضاعه از هر حیث کامل و مطابق اصول اداره می شود. اطفال سرراهی و اطفال بی چیزی که تسلیم این مؤسسه می شوند، خوشبخت ترین اطفال هستند، زیرا در این مؤسسه اطفال مثل دسته گل پرورش و نگاهداری می شوند، گهواره های ظریف، روپوش های نظیف، بالش های اطلس، اتاق های روشن و پاکیزه برای آن ها تهیه شده است.»

همچنین جریده «آزادی» در ۲۷ آذر ۱۳۱۴ خورشیدی می نویسد: «جمع آوری اطفال. در این دو سه روز قریب ۵۰ نفر اطفال کوچک و ولگرد از طرف شهربانی جمع آوری و تحویل دارالتربیه شده اند. این اطفال در آنجا لوازم نگهداری و اعاشه و تحصیلشان فراهم و ضمنا به یاد گرفتن صنایع مختلفه گماشته می شوند.» همچنین در بخشی از گزارش مطبوعاتی که به تاریخ ۲۷ خرداد سال ۱۳۱۶ خورشیدی منتشر شده، آمده است: «فعلا در دارالتربیه ۲۳۵ نفر پسر و قریب ۷۰ نفر دختر که همه از معابر و خیابان های شهری ۶ سال جمع آوری و به این مؤسسه اعزام شده اند، زندگی می کنند و طوری وسایل زندگانی آن ها فراهم شده که هر بیننده دچار تعجب می شود که چگونه این همه اطفال که وضعیت آن ها در احوار سابق هنوز فراموش نشده به این حالت آبرومند درآمده، همان اطفالی که

نوانخانه، سرپناهی برای زائران و مجاوران

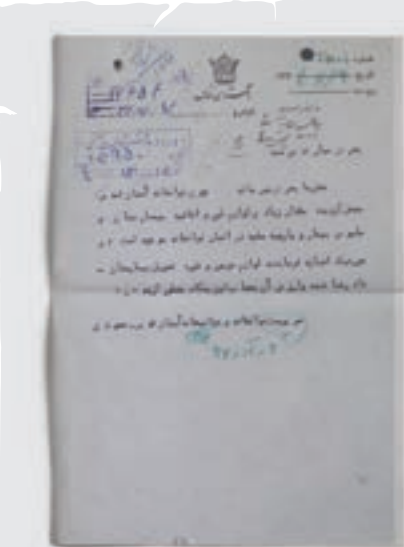
این دستگیری به همین جا خلاصه نمی شود و آستان امام رئوف، یک بار دیگر در اوج جنگ جهانی دوم پای کار تازه ای می آید و در کنار قشر ضعیف و ناتوان شهر باقی می ماند. ماجرا از این قرار است که در زمان نیابت تولیت علی منصور به سال های ۱۳۲۱ تا ۱۳۲۳ خورشیدی، به دنبال قحطی حاصل از جنگ جهانی دوم، گرانی در مشهد پیدا می کند و در نتیجه تعداد فقرا در شهر فزونی می گیرد، به ویژه در فصل زمستان که به دلیل نبودن کار و ناشستن سکن، سختی ها و مشکلات برای این قشر به اوج می رسیده است. این می شود که خیران با همکاری دستگاه های دولتی در صدد تأسیس گرمخانه و نوانخانه برمی آیند و با این اقدام می توانند تا حدودی به مردمی که توان مالی ندارند، کمک کنند. از طرفی آستان قدس رضوی علاوه بر دارالعجزه و دارالتربیه با تأسیس نوانخانه دیگری، به جمعی از فقرا و زوار و مجاوران پناه می دهد. محل این نوانخانه که ۳ هزار نفر گنجایش داشته، منزل بزرگی از متعلقات آستانه بوده که در خیابان کاشف جنب اداره غله قرار داشته و مشتمل بر دو تا سه ساختمان با اتاق های متعدد و حیاط وسیع بوده است. به فقرایی که به طور شیان روزی در این مرکز نگهداری می شدند، علاوه بر مسکن، خوراک، پوشاک و سایر مایحتاج ضروری نیز داده می شده است. برابر اسناد آماری برجای مانده از این

پیش از این محکوم به هزار گونه مذلت و فساد اخلاق (منظور تربیت نادرست است) بودند، حالا در دریف دانش آموزان با لیاقت و پر استعداد میهن قرار گرفته و در نتیجه زحماتی که در این گونه مؤسسه ها برای تربیت آن ها کشیده می شود در مدت به نسبت کمی، دارای سواد و کمال شده، با جسم و روحی سالم و اخلاقی پسندیده تحویل جامعه می شود.»

دارالتربیه علاوه بر امکانات تحصیلی و آموزشی، دارای بیمارستانی چهل تخت خوابه بود که زیر نظر سه دکتر عمومی، دو پزشک متخصص داخلی، چشم و گوش و حلق و بینی و یک دندان پزشک اداره می شد و آن ها موظف بودند هر روز کودکان مؤسسه را معاینه کنند. حکایت تشکیل پرونده برای این کودکان نیز از این قرار بوده که گویا کودکانی که به مؤسسه فرستاده می شدند، ابتدا در اتاق مخصوص معاینه و عمل، به طور کامل تحت معاینه و درمان قرار می گرفتند و بعد به اتاق خوابگاه و پرستاری انتقال می یافتند. تاریخ تولد، شرح زندگی و عکس هر کودک همان ابتدا ثبت و شرایط روحی و روانی آن ها نیز هر ساله بررسی می شد، علاوه بر این، کودکانی که سن آن ها مقتضی درس خواندن نبود، به کودکان فرستاده می شدند تا ز بر نظر معلم علاوه بر یادگیری الفبا در کلاس های علمی، نقاشی و کارهای دستی شرکت داده شوند. برای کودکان در سن مدرسه هم در همان سال شش کلاس در نظر گرفته شده بود و گویا در میان آن ها دانش آموزان با استعداد بسیاری هم بودند که در همین راستا دارالتربیه و وظیفه داشت شرایط تکمیل تحصیل آن ها در مقاطع بالاتر را فراهم کند. به این ترتیب کودکان مؤسسه یا دانش آموزان بی بضاعت خارج از پرورشگاه پس از گذراندن شش کلاس ابتدایی در دبستان رضوی وارد دبستان شش کلاسه متوسطه می شدند.

مکان، در سال های نخست پس از تأسیس، تابستان ها حدود ۲۰۰ نفر و در زمستان ها تا ۴۰۰ نفر زیر سقف اینجا گذران روزگار می کرده اند. در این نوانخانه، چند کارگاه نظیر قالی بافی، پارچه بافی، نجاری، کفاشی و... نیز دایر بوده است تا فقرایی که از حیث سلامت بدن قادر به کار بوده اند، در آنجا بیکار نمانند. در نتیجه هم آن ها می آموزند و هم از این راه، سودی عاید مؤسسه می شده است تا از این طریق بتواند به نیازمندان بیشتری کمک کند.

سرانجام از سال ۱۳۳۴ خورشیدی، امور نوانخانه به طور کلی به جمعیت سرپرستی نوانخانه شهرداری واگذار شد و دیگر آستان قدس در آن مدخله مستقیم نداشت، اما همه ساله در حدود اعتبارات خود، به این مؤسسه و خیریه های مشابه کمک های مادی می کرد. پس از آن بود که دودرمانگاه عمومی و بیمارستانی ۶۵ تخت خوابه برای مردم راه اندازی شد تا علاوه بر ساکنان نوانخانه مابقی مردم نیز از خدمات رایگان درمان و داروپهره مند شوند. همچنین در قسمت فرهنگی و فنی علاوه بر دبستانی شش کلاسه با ظرفیت ۲۵۰ دانش آموز، کارگاه های پارچه بافی، کفاشی، قالی بافی و... نیز راه اندازی شد. با انحلال نوانخانه، کودکان و نیازمندان ساکنان این مؤسسه به دارالتربیه، شیرخوارگاه شهرداری و کودکان آستان قدس رضوی فرستاده شدند اما بعدها که تعداد آنان بسیار کاهش یافته بود، از باقی کودکان، در پرورشگاه کوهسنگی یا کودکان آستان قدس رضوی نگهداری می شده است.



سندی در باره انتقال لوازم نوانخانه آستان قدس به بیمارستان شاه رضا (امام رضای فعلی)



سند در باره نقل و انتقال اطفال از نوانخانه شهرداری به دارالتربیه شیر و خورشید/ سال ۱۳۳۲ خورشیدی



انتقال بینوایان و اطفال به موسسات مربوطه/ ۱۳۳۲ خورشیدی

چند سند مربوط به انتقال نوانخانه آستان قدس رضوی به نوانخانه شهرداری



گذری بر تاریخ دومین بنای قدیمی مشهد پس از حرم مطهر رضوی
سرگذشتی به قدمت گنبد خشتی



تعداد نسبتا زیاد بناهای برجای مانده از دوران تیموری در خراسان، مرهون توجه خاص برخی پادشاهان آن سلسله به ویژه شاهرخ تیموری و شخصیت های والا مقام آن دوران مانند گوهرشاد خاتون، غیاث الدین پیر احمد خوافی، امیر علیشیر نوایی، قوام الدین شیرازی، غیاث الدین شیرازی و هنرمندان چیره دستی چون بایسنقر میرزا است. ● یادگاری از دوره تیموری

تقریبا در تمام مدت سلطنت شاهرخ تیموری (۷۰۰-۸۵۰ هجری قمری) خراسان از رونق و آبادانی نسبی برخوردار بوده و در برخی شهرهای خراسان مانند مشهد، خرگرد، تربت جام و تایباد، بناهای باشکوه و مجللی به همت آن بزرگان ساخته شده است.

شهر مشهد گویا از این موهبت های بیشتر برخوردار شده و دلایل عمده آن در درجه اول، وجود حرم مطهر امام رضا^(ع) و دیگر، حضور و حمایت سادات مشهد و به ویژه رؤسای آن ها یا «نقییان» در جایگاه حاکمان واقعی مشهد بوده است.

یکی از نقبای پرنفوذ و محترم سادات موسوی مشهد در آن دوران، امیرسلطان غیاث الدین محمدبن موسی بن جعفر^(ع) بود.

او در سال ۸۲۲ هجری قمری در مشهد وفات یافت و در فاصله حدود ۵۰۰ متری شمال حرم مطهر به خاک سپرده شد. ظاهرا در همان زمان، بنایی بر فراز گورش ساخته شد که بعدها به «گنبد خشتی» شهرت یافت.

● بنای گنبد خشتی در گزارش استادان اروپایی

گنبد خشتی که احتمالا نام خود را از ساختار آجری گنبد اولیه آن گرفته، بنایی است بنا می چهارضلعی در بیرون و چلیپایی (صلیبی شکل) درون و گنبدی دوپوش به ارتفاع ۱۴/۹ متر بر فراز ساقه ای بلند و آجری.

ظاهر تغییر و تحولات فراوانی که در این بنا صورت گرفته، چهره اولیه و واقعی آن را در گروگن کرده است، به گونه ای که به قول برنارد اوکین، ظاهر اصلی بنا را به دشواری می توان تعیین کرد، چون در این ساختمان، مرمت های بی شماری در دوره های گوناگون صورت گرفته است.

● گنبد خشتی در دوره معاصر



تاده های اخیر بدنه بنا منظر منظم و مطلوبی نداشت و ساقه گنبد با کاشی های سفید، آبی، سیاه و کتیبه ای درشت خطر به حاشیه بالا می ساقه نقش بسته بود که اصلت و زیبایی چندانی در خور بنانداشت. اخیرا تزئینات کاشی جمع آوری و بدنه های خارجی بنا با آجرنما سازی شده است.

نمای بیرونی این بنا که در حال حاضر به «امامزاده محمد» معروف است، یک فضای مکعب شکل آجری با درگاهی ها و طاق نماهایی بر بدنه با گنبدی آجری به چشم می آید که بر فراز ساقه ای استوانه ای استقرار یافته و درگاهی هایی برای روشن کردن فضای داخلی بنا بر ساقه استوانه ای تعبیه شده است. فضای چلیپایی طاق ها و تمامی زیر گنبد را پر کرده اند و در مرکز پوشش گنبدی با ترکیب موزون قاب ها و مقرنس ها به زیبایی آراسته شده است. مقرنس ها از گوشه ها آغاز شده است و لچکی های طرفین طاق ها و تمامی زیر گنبد را پر کرده اند و در مرکز پوشش گنبدی بنا به گونه ای جمع شده اند که تشکیل یک دایره مقعر یا شمشه داده اند. سطوح پر و خالی و سایه روشنی که بر اثر تابش نور از نورگیرهای ساقه گنبد ایجاد شده، منظره بدیع و زیبایی را موجب شده است.

در جریان مرمت های سال ۱۳۵۶ خورشیدی یک سردابه زیر کف ظاهر شد که آن نیز نقشه صلیبی شکل داشته و در قسمت مرکزی آن ستون باریکی استوار شده است تا پایه طاق ها و تویزه های پوشش سردابه را نگاه دارد. تزئینات بنا علاوه بر مقرنس ها و تزنج های گچی، اسلیمی ها و کتیبه هایی بر ازاره ها هستند. گنبد خشتی در کنار کوچه ای به همان نام در یکی از محلات قدیمی مشهد در مجاورت خیابان طبرسی قرار دارد. ناگفته نماند این بنا ۱۵ اردیبهشت سال ۱۳۵۶ خورشیدی با شماره ۶۱۶ در فهرست آثار ملی ایران ثبت شده و امروزه سوای جایگاه مذهبی اش که مورد توجه و احترام اهالی است و همه روزه با مراجعه زائران مشتاق روبه روست، به عنوان یکی از اندک یادگارهای میراثی باقی مانده از مشهد عصر تیموری نیز شناخته می شود.

